



صفحه ۳ ضمیمه نوجوان روزنامه

www.gudsonline.ir

دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ | ۷ جمادی الثانی ۱۴۳۸ | ۶ مارس ۲۰۱۷



مکانی معماری دلچسپ و آرامش بخشی ندارد
اینجا شبیه کجاست؟
قرار ساعت هشت
با الهام از فرانسواز
دعای ۲۱ صحنه سجاد به
الهی چگونه سر برآورد از کرینام وقتی شانه بالا انداختم سکوت
را به وقت از تو گفتم و گردن پیچیدم از گرد تو گردیدم؟
الهی همه سق های نکرده ام را و راه های نرفته ام را دست اجزای
تکلی و پیش بر مرا، میاد که جا بمانم از رد دست های تو گرد
پاهایت... بارالاه! من به قدر گواهی خوبش عذرخواهم و تو هم به
قدر بزرگی ات میبخشام آید...



در داستان غرق شویم



در بسته خبری بخوانید
مقاصبان بیوستن به جشن جهانی
نوروز افزایش پیدا کرده است
نوروز چینی
کلاه قرمزی و
بروچ حیاط دار
می شوند

درباره شبکه های ماهواره ای که یکی یکی تعطیل می شوند



درباره شبکه های ماهواره ای که یکی یکی تعطیل می شوند

TV تخته

ملیحه محمود خواه | حتماً اگر شما حتی چندبار در خانه همسایه تان برنامه های بی محتوای ماهواره ای را دیده باشید، حرف ما را تأیید می کنید که واقعاً این برنامه ها ارزش دیدن و وقت گذاشتن و اصلاً ارزش پول برقی را که مصرف می کنند، ندارند. برنامه هایی بی محتوا که سرتوته ندارند و تنها هنرشان این است که ذهن مخاطب را بی دلیل درگیر مسایلی کنند که اصلاً هیچ اهمیتی ندارند و نه به درد دنیای مان می خورند و نه به درد آخرت مان! حالا چالب اینجاست که این شبکه های ماهواره ای به خاطر دوستی با ما راه نیفتاده اند، بلکه فکرهای عجیب و غریبی پشت راه اندازی این شبکه ها وجود دارد. اما نکته اش همین است که حالا بعد از چندسال که این شبکه ها فعالیت می کنند، یکی پس از دیگری تعطیل می شوند. اول می گویند که مشکل مالی داشته اند، اما کمی جست و جو نشان می دهد ماجرا چیز دیگری است. امروز می خواهیم علت تعطیلی این شبکه ها را با هم بررسی کنیم.

یورونیوز

یورونیوز یک شبکه اروپایی است که وابسته به اتحادیه اروپاست و به زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، پرتغالی، روسی، ترکی، عربی و فارسی برنامه پخش می کند. اما هیچ گریه ای محض رضای خدا موش نمی گیرد و این شبکه هم عقاید سردمداران اروپایی را به بقیه تحمیل می کند. حالا بخش فارسی و عربی این شبکه هم قطع شده و مسؤلان آن اعلام کرده اند که به بی پولی خورده اند و مجبورند پخش این شبکه را تا حدود زیادی کاهش دهند.



شبکه کلمه

شبکه کلمه هم از آن دست شبکه هایی است که تعطیل شد. هدف این شبکه این بود که بین مسلمانان شیعه و سنی اختلاف بیندازد، اما مجریان و کارشناسان این شبکه هم خیلی زود دستشان رو شد و دیگر کسی برنامه آن ها را ندید و ورشکست شدند و در شبکه شان تخته شد. شاید شما همین طوری هیچ وقت این شبکه را ندیده باشید، اما حتماً کلیپ هایی را در گوشی های همراهمان دیده اید که ایرانی ها گاهی به کارشناسان آن ها زنگ می زدند و حسابی آن ها را سرکار می گذاشتند. تا مدتی این کلیپ ها جزو موارد پرترفداری بود که بین مردم دست به دست می شد!

چرا تعطیلی، چرا ورشکستگی؟

این شبکه های ماهواره ای اول که آمدند، کلی سروصدا به پا کردند و چون مردم آن ها را درست و حسابی نمی شناختند، مخاطبانی هم پیدا کردند، آن هم به خاطر سریال هایی که پخش می کردند. اما نه آنقدر که خودشان می گفتند، اما کم کم خودشان با دست خودشان تیشه به ریشه خودشان زدند و رسوایی های مالی و اخلاقی آن ها خیرساز شد و ماهیت واقعی خودشان را نشان دادند. از طرفی دیگر سیاست های کشورهای مثل آمریکا، انگلیس و فرانسه که از آن ها حمایت می کردند، تغییر کرد. این کشورها آنقدر خودشان مشکل داشتند که اگر هنر می کردند، مشکلات خودشان را برطرف می کردند و این هم عاملی بود که در ورشکستگی آن ها بی تأثیر نبود. حالا باید دید سایر شبکه های ماهواره ای چه زمانی تعطیل می شوند؟

فارسی وان

زمانی که شبکه فارسی وان شروع به کار کرد، کلی سروصدا به پا کرد. مسؤلان این شبکه ماهواره آمدند و همین نزدیک خودمان، یعنی دویی نشستند و چند کارمند هم استخدام کردند تا سریال های خارجی را دوبله کنند و به خورد مردم بدهند. اما کاش سریال های درست و حسابی را پخش می کردند. هر سریالی که در ترکیه و کره و حتی آنگولا ساخته می شد که مردم آن کشور خودشان هم نمی دیدند را می خریدند و با یک دوبله ناشیانه برای مردم پخش می کردند و با این کار می خواستند مردم را به سمت خودشان جذب کنند. البته اولش برایشان بد نبود و تعدادی مخاطب سر ساعت جلوی برنامه های آن ها می نشستند و تخمه می شکستند و گاهی های هم به خاطر شخصیت فیلم گریه می کردند. اما این طور هم نبود که همه دست روی دست بنشینند و بگذارند آن ها هر کاری دلشان می خواهد انجام دهند. کم کم آگاهی مردم بیشتر شد و بسیاری از کارشناسان از راه های مختلف تأثیرات این برنامه ها و هدفی که آن ها داشتند را برای مردم توضیح دادند و با آگاهی مردم، استقبال از آن ها هم کم شد و به جایی رسیدند که ورشکست شدند و اعلام کردند که این شبکه تعطیل خواهد شد.

حباب توخالی شبکه های ماهواره ای

شاید شما یادتان نباشد، اما اگر از همسایه تان که ماهواره دارد بپرسید، از حدود سال ۱۳۸۹ به بعد شبکه های جدید ماهواره ای یکی پس از دیگری مثل قارچ رشد کردند. اول ماجرا، آن ها فیلم ها و سریال هایی که از تلویزیون خودمان پخش می شد را ضبط می کردند و دو روز بعد همان ها را دوباره پخش می کردند. تازه وقتی وضع مالی این شبکه ها خیلی خوب می شد، یک سریال از ترکیه می خریدند و آن را ترجمه می کردند و هر شب به خورد مردم می دادند. چرا دروغ بگوییم؟ آن اول ها اتفاقاً خانم همسایه خیلی هم به این برنامه ها علاقه نشان می داد و سر ساعت سریال مورد نظرش را می دید، تا حتماً روز بعد ماجرای برای تعریف کردن بین دوستانش داشته باشد. اما بشنوید از آن طرف ماجرا، یعنی افرادی که این شبکه ها را می گرداندند. آن ها پیش خودشان تصور می کردند می توانند با این برنامه ها در ایران مخاطب پیدا کنند و کم کم از طریق این برنامه ها اهداف سیاسی خودشان را پیاده کنند، اما حبابی که برای خودشان ساخته بودند با ورود شبکه های مجازی به زندگی مردم شکست. حالا باز بگویید شبکه های مجازی بد هستند!



جم تی وی

شبکه جم تی وی هم از آن شبکه هایی است که با سروصدا و تبلیغ زیاد می خواست جایی در خانه های ایرانی ها باز کند و برای این کار هم کلی هزینه کرد و حتی تعدادی از هنرپیشه های ایرانی را هم به خارج برد تا با بازی در این شبکه خودشان را معروف کنند. اما آن ها هم موفق نبودند و نتوانستند افکار ایرانی ها را به سمت خودشان جلب کنند. مسؤلان این شبکه هم بارها اعلام کردند که ورشکست شده اند و می خواهند شبکه شان را تعطیل کنند.





NOWRUZ CHINA

متقاضیان پیوستن به جشن جهانی نوروز افزایش پیدا کرده‌اند



نوروز جشن سال نو ما ایرانی‌ها در زمان هخامنشیان هرسال در شهر پارسه با حضور نمایندگان کشورهای دیگر برگزار می‌شد. به همین مناسبت این جشن به‌عنوان باستانی‌ترین جشن تمدن بشری در مجمع عمومی سازمان ملل ثبت شده است. براساس خبرها کشورهای چین، تانزانیا، کوبا و مغولستان می‌خواهند نوروزی شوند. جشن نوروز از همان روزهای اولی که با هفت کشور ایران، هند، پاکستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکیه و آذربایجان ثبت جهانی شد، قرار بود هرسال در یک کشور جشن گرفته شود. این جشن هم طی چندسال در چند کشور از جمله تاجیکستان و افغانستان برگزار شد. ایران که هرسال این جشن را در سطح ملی برگزار می‌کرد، امسال نیز قرار است جشن ملی نوروز را در ۳۱ استان کشور به نام نوروز گاهها برگزار کند. اما در سطح جهانی آن‌طور که محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی کشور اعلام کرده، قرار است جشن جهانی نوروز در کاخ گلستان برگزار شود.

نوروز، میراث ناملموس گذشتگان

ممکن است پدر بزرگ یا مادر بزرگ خیلی از ما برایمان میراثی را به یادگار بگذارند. معمولاً ما از اشیاء یا خانه‌هایی که آن‌ها برای ما یادگار گذاشته‌اند، به‌عنوان میراث و ارثیه یاد می‌کنیم و حواسمان نیست که یک رسم خانوادگی که نسل به نسل منتقل شده هم می‌تواند میراث گران‌بهایی باشد؛ میراثی که قابل شمارش و اندازه‌گیری نیست، اما گاه بارزترین چیزی است که برای ما به‌جا مانده است. در بین کشورها هم ماجرا به همین شکل است. گذشتگان هر کشوری به‌جز بناها و گنجینه‌های داخل موزه‌ها، گاه آیین‌ها و رسم و رسوماتی را برای آیندگان خود به یادگار می‌گذارند؛ یادگاری‌هایی که به‌اندازه بناهای معروف و آثار هنرمندان بنام، ارزش ثبت و نگهداری دارند. در سطح جهانی به این یادگاری‌های کهن، میراث ناملموس می‌گویند و مانند مهرده‌های ملموسشان ثبت و نگهداری می‌شوند. نوروز ما هم یکی از میراث‌های ملموس ماست که ثبت جهانی شده است.

در آن سال قطعه نوروز به این‌گونه نمایان می‌گردد
اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و با همکاری
جمهوری آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه،
ترمنستان، قرقیزستان و قزاقستان آماده، و به مجمع
عمومی سازمان ملل ارائه شد. به‌جز این کشورها،
۳۰ کشور هند، آلمان و مقدونیه نیز در روزهای تیرگی به
کشورهای تصدیق‌کننده این قطعه پیوستند



روزی که نوروز جهانی شد

با اینکه نوروز ریشه‌ای کاملاً ایرانی دارد، اما از گذشته‌های دور در بسیاری از کشورها هم‌زمان با فصل بهار جشن نوروز برگزار می‌شده است. به همین دلیل ایرانی‌ها بعد از ثبت جهانی آن توانستند روزی را به نام روز جهانی نوروز ثبت کنند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۸ با تصویب قطعنامه‌ای روز ۲۱ مارس برابر با اول فروردین را به‌عنوان روز جهانی نوروز تصویب کرد و در تقویم خود جای داد. با این کار که برای نخستین‌بار در تاریخ این سازمان صورت می‌گرفت، نوروز ایرانی به‌عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. در آن سال قطعنامه نوروز به ابتکار نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و با همکاری جمهوری آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان آماده، و به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، به‌جز این کشورها، ۳ کشور هند، آلبانی و مقدونیه نیز در روز رأی‌گیری به کشورهای تهیه‌کننده این قطعنامه پیوستند.

آن‌طور که آمارهای سازمان ملل می‌گوید، هرسال ۳۰۰ میلیون نفر در ایران، افغانستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز، در منطقه بالکان، حوزه دریای سیاه و خاورمیانه، آغاز فصل بهار را با سنت باستانی عید نوروز جشن می‌گیرند. حتماً کلی احساس غرور می‌کنید اگر بدانید که در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد، توصیف شده است.

چرا نوروز را جهانی کردیم

جشن نوروز بگیرند. البته قرار نشد که همه‌چیز فقط به جشن و شادی ختم شود و از کشورهایی که جشن نوروز برگزار می‌کنند، درخواست شد درباره نوروز کار پژوهشی و تاریخی انجام دهند و همه کارها برای این بود که با برگزاری این جشن، همه جهان را به صلح و دوستی دعوت کنند.



خبرگزاری مهر

کلاه قرمزی و برویج حیاط‌دار می‌شوند

شاید کسی حواسش نباشد که خانه‌های آپارتمانی بلای جان کودکان امروز شده است و همگی زندگی در چاردیواری تنگ آپارتمان‌ها را پذیرفته‌ایم، اما کلاه‌قرمزی و دوستانش سر این ماجرا کوتاه نیامده‌اند و با اینکه تا شروع سال نو چیزی نمانده، تصمیم گرفته‌اند تغییراتی در سبک زندگی‌شان بدهند و حیاط‌دار شوند. مجید میرفخرایی طراح دکور عروسک‌ها درباره این تغییر گفت: امسال قرار است در دکور خانه عروسک‌ها تغییراتی داده و تنوع داشته باشیم. مجموعه «کلاه‌قرمزی» که به کارگردانی ایرج طهماسب ساخته می‌شود، سال گذشته به تولید نرسید و حالا بعد از ۲ سال قرار است دوباره از شبکه دو روی آنتن برود.



ما هم حیاط می‌خواهیم

ایرنا

حیات‌وحش در حال انقراض به البرز رسیدند

اینکه حال حیوانات کشورمان خوب نیست، خبر تازه‌ای نیست. مؤا ایرانی‌ها هم مثل بیشتر مردم دنیا حواسمان به طبیعت و حیات‌وحش نیست و هرروز مشکلات بیشتری برای آن‌ها درست می‌کنیم. به‌تازگی مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان البرز از خطر انقراض ۱۳ گونه حیات‌وحش در این استان خبر داده است. بیشتر ما استان البرز را با جاده چالوس و شهر کرج می‌شناسیم و اصلاً نمی‌دانیم این استان صاحب عقاب طلایی است و بز وحشی و پلنگش هم حساسی اسم و رسم دارند. شاید به‌خاطر همین بی‌خبری ما باشد که دیگر حال ماهی قزل‌آلای خال قرمز رودخانه کرج خوب نیست و عقاب شاهباز و آگامای ایرانی (نوعی مارمولک نادر) همین امروز و فرداست که برای همیشه از صفحه روزگار محو شوند.



مؤاظ باش مقروض نشوید

خبرگزاری فارس

نار گیل وحشتناک‌تر از حمله کوسه

بیشتر ما در فیلم‌های سینمایی بارها کوسه‌های شکارچی را دیده‌ایم که به‌آسانی یک آدم درسته را یک لقمه کرده‌اند و هیچ‌کس هم از پشیمان برنیامده است. اما باورتان نمی‌شود اگر بگوییم که محققان براساس بررسی‌هایی که اصلاً الکی و کشکی هم نبوده، اعلام کرده‌اند که سقوط نار گیل‌ها ۱۵ برابر بیشتر از کوسه‌ها جان مردم را می‌گیرند.



باید نار گیل نیشته رو سورت



فاطمه نیک | حیاط آسفالت با رنگ تیره، ساختمان قدیمی با آجرهای کردن به آن‌ها آدم سردش می‌شود. چه برسد که بخواهد دوازده توجیه به اقلیم هر منطقه، مدارسی با ماندگاری بالا ساخت. ای باشد. این‌روزها مدرسی که توسط معماران طراحی می‌شود توجیه می‌شود، نگاهی می‌اندازیم.

چین‌ها معماران کهن هستند که بارها فضای باز را محیط‌های شیب‌دار طراحی کرده‌اند. سازه‌های این کهن‌طرح در سال‌های پیش‌دینان اروپا، مع‌الذکر با قرار گرفتن در محیط شیب‌دار، تجربه‌کنند و بی‌موزند



دیوارها را برداریم

چندسالی است که سوئدی‌ها مقام اول را در مدرسه‌سازی دارند. مدارسی که آن‌ها می‌سازند، در جشنواره‌های زیادی جایزه برده و در دنیا بنام هستند. یکی از شیوه‌های معروف سوئدی‌ها، ساخت فضاهای بدون دیوار است که جایگزین کلاس‌های درس معمولی شده است. در این محیط جدید، دانش‌آموزان در تعامل با محیط دست به تجربه و آزمایش می‌زنند و مدلی جدید از یادگیری را تجربه می‌کنند. این مدارس دارای فضای استراحت، تماشای فیلم و فعالیت‌های هنری هم هستند. سوئدی‌ها فکر می‌کنند با این تغییرات، دیگر هیچ دانش‌آموزی به فکر ترک مدرسه نمی‌افتد.

این محیط باها که روح داشت، به‌خاطر سیستم آموزشی سنتی ایرانی بوجور آمده بود؛ سیستمی که در آن آموزش از زندگی جدا نبود و این دو در کنار هم دیده می‌شدند



مدرسه‌ای که سبز است

روش دیگری که این‌روزها روی بورس است و خیلی‌ها برایش سر و دست می‌شکنند، مدارس سبز هستند. مدارس سبز دارای ساختمان‌های سازگار با محیط‌زیست است. معروف‌ترین مدرسه سبز دنیا در یکی از جزایر بومی آفریقا قرار دارد؛ مدرسه‌ای که با مصالح محیطی مثل دار و درخت‌های داخل جزیره ساخته شده است. تخته‌های یکی دیگر از این مدارس، از شیشه‌های استفاده‌شده ساخته شده‌اند. مدرسه‌ای دیگر در کشور بوركینافاسو ساخته شده و با طراحی ویژه‌ای آن از مصالح بومی و بلوک‌های فشرده گلی درست شده و با طراحی ویژه‌ای که دارد، بدون استفاده از تهویه مطبوع، هوای پاک با اکسیژن فراوان برای دانش‌آموزان تدارک دیده است. در مدارس سبز علاوه بر اینکه دانش‌آموز در محیطی خلاق و متفاوت قرار می‌گیرد، دوستی با محیط‌زیست را هم می‌آموزد.

تعطیلات بدون ادب

روزی که زکریا پایش را در مدرسه گذاشت، تمام دنیا پیش چشمش تیره و تار شد. او به تمام روزهایی فکر می‌کرد که مجبور بود شش ساعتش را در مدرسه بگذراند و بقیه روزش را هم با تکالیف شکنجه شده و در آخر روز با کلبوس صبح روز بعد به خواب برود. اما روزهای تلخ زکریا با فرا رسیدن تعطیلات به پایان رسید. درست است که زکریا به خودش قول داده بود توی مدرسه دانش‌آموز مؤدب و باکلاسی باشد، اما به یاد نمی‌آورد تهنیدی درباره روزهای تعطیل داده باشد. این جور می‌شد که در اولین تعطیلی، زکریا با حس موجود غارنشینی را داشت که به زادگاه اولیه‌اش برگشته است. او تصور می‌کرد حالا می‌تواند تمام روز آزاد باشد و هرکار دلش می‌خواهد انجام بدهد. در نتیجه شورش را در آورد و والدینش با ارایه گزینه مدرسه شبانه‌روزی، او را سرچایش نشانده‌اند.

چطور در تعطیلات یابی می‌شویم

آیا تابه‌حال توجه کرده‌ای که بیشتر مواقع در طول تعطیلات، اصول اخلاقی رعایت نمی‌شود؟ انگار هم‌زمان با تعطیلی مدرسه، ما کتابچه قوانین و دستورات مؤدب بودن را هم در مدرسه جا می‌گذاریم و به خانه می‌آییم. در تعطیلات همه آزاد هستند. پس می‌توانیم توپمان را برداریم و سر ظهر توی کوچه گل کوچیک بازی کنیم و تمام وسایل زمین بازی را برداریم و برای دیگران رییس‌بازی دربیابیم. در تعطیلات همه آزاد هستند، پس اجازه داریم تا دیروقت بیدار بمانیم و صد دور فیفا ۲ هزار بازی کنیم و موقع بازی هرچه دلمان خواست جر بزنیم، دیگران را مسخره کنیم و اگر باختیم دعوا راه بیندازیم و با هم‌بازی‌مان دست‌به‌یقه هم بشویم. بنظر تو چرا این اتفاق می‌افتد؟



همان‌طور که پشت نیمکت‌های قهوه‌ای نشسته‌اید و به دیوار خاکستری روبه‌رویتان که با تخته وایت‌بردترین شده زل زده‌اید، یک لحظه چشمانتان را ببندید و ساختمانی فیروزی رنگ با سردری از کاشی‌های لاجوردی را تصور کنید. تصور کنید که در بزرگ چوبی مثبت کاری شده به روی حیاطی با چهار ایوان بزرگ به رویتان باز می‌شود. حوض بزرگ آبی، درختان سبز و ساختمان دوطبقه با پنجره‌های چوبی و شیشه‌های رنگی به شما خوش آمد می‌گویند. چشمانتان را باز نکنید و به این سؤال فکر کنید که آیا دوست دارید این ساختمان، مکانی باشد که شما در آن درس می‌خوانید؟

مدارس معماری دلچسب و آرامش بخشی ندارند

اینجاشیبه کجاست؟

رنگ و رو رفته، راهروی موزیک‌فرش خاکستری، دیوارهای به‌رنگ فیلی، راه‌پله‌های غم‌گرفته سرد، پنجره‌های آهنی و کلاس‌هایی که مثل قوطی‌های کبریت کنار هم چیده شده‌اند، توصیفی واحد از بیشتر مدارس ماست که با فکر سسال از بهترین سال‌های عمرش را در آن بگذرانند. تازگی‌ها در خبرها آمده بود که رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور گفته‌اند باید در معماری مدارس به گذشته برگشت و با الگو گرفتن از معماری اسلامی ایرانی و که بالاخره کسی به فکر معماری مدارس افتاده، خوب است، اما در عمل هیچ‌کس نمی‌داند ما کی از دست مدرسه‌هایی که فضایی خسته کننده دارند، خلاص می‌شویم. معماری مدرسه می‌تواند تأثیر زیادی بر آموزش داشته باشد، تنها شامل کلاس‌های درس نیستند و هدف این است که تأثیر مثبتی بر نحوه یادگیری دانش‌آموزان داشته باشند. با هم به چند شیوه جدید که این روزها در معماری مدارس و طراحی داخلی محیط‌های آموزشی به آن

باید به پشت سرمان نگاه کنیم



همان‌طور که پشت نیمکت‌های قهوه‌ای نشسته‌اید و به دیوار خاکستری روبه‌رویتان که با تخته وایت‌بردترین شده زل زده‌اید، یک لحظه چشمانتان را ببندید و ساختمانی فیروزی رنگ با سردری از کاشی‌های لاجوردی را تصور کنید. تصور کنید که در بزرگ چوبی مثبت کاری شده به روی حیاط سبز و چهار ایوان بزرگ به رویتان باز می‌شود. حوض بزرگ آبی، درختان سبز و ساختمان دوطبقه با پنجره‌های چوبی و شیشه‌های رنگی به شما خوش آمد می‌گویند. چشمانتان را باز نکنید و به این سؤال فکر کنید که آیا دوست دارید این ساختمان، مکانی باشد که شما در آن درس می‌خوانید؟ جایی که احتمالاً پدر پدربزرگ‌های شما در آن درس می‌خواندند و حالش را می‌بردند. این محیط باصفا که روح داشت، به‌خاطر سیستم آموزشی سنتی ایرانی به‌وجود آمده بود؛ سیستمی که در آن آموزش از زندگی جدا نبود و این دو کنار هم دیده می‌شدند. دانش‌آموزان در این سیستم استاد و شاگرد رابطه‌ای و هم‌زندگی می‌کردند. همچنین نام این شیوه را آموزش براساس همراهی درس و زندگی گذاشته‌اند و معتقدند مدارس گذشته ایران از همراهی این دو به‌وجود آمده بود. هرچند در اولین مدرسه نوین ایران یعنی دارالفنون، کمی این شیوه تغییر کرد و حجره‌ها جای خود را به کلاس‌های درس دادند، اما همچنان حیاط‌های بزرگ که وسط ساختمان بودند، درست شبیه خانه‌های ایرانی حفظ شدند. اما کم‌کم این شیوه فراموش شد و ما صاحب مدرسه‌ای شدیم که انگار سری‌دو‌زی شدند و دانش‌آموز به‌طور کلی از زندگی روزمره جدا شد و وارد سربازخانه‌ای به نام مدرسه شد. این جوری فراموش شدند و در هرگیر و واگیر انبوه‌سازی، کسی به فکر بچه‌های بی‌گناه نیفتاد. شاید با نگاهی به گذشته و توجه به شیوه‌های جدید در معماری مدارس، در سال‌های پیش رو، در مدرسه‌های بهتری درس بخوانیم.

چند سال است که سوندی‌ها مقام اول را در مدرسه‌های دارند. مدارس که آن‌ها می‌سازند، در چشمانه‌های زیباری جایزه برزه و در دنیا بهام هستند. بلخ از شیوه‌های معروف سوندی‌ها، ساخت فضاهای بدون دیوار است که جایگزین کلاس‌های درس معمولی شده است

و در آن س سال‌ها در آن معتقدند در این خور تقلید در بعضی می‌توانند

مدارس
سبز دارایی
ساختمان‌های
سازگار با
محیط‌زیست
معروفترین
مدارس سبز دنیا در
بلخ از چهار بیومی
آخرین قرار دارد.
مدارس که با
مصالح محیطی مثل
دار و درخت‌های
داخلی چهره ساختمانی
شده است



جایی شبیه خانه

با محیط ارتباط برقرار کنند و تعامل داشته باشند، هدف پیش روی مدارس نوین است. انگار این روزها دیگر کسی به فکر برقراری نظم به کمک نیمکت‌های فلزی، دیوارهای بلند و درهای بسته نیست. احتمالاً یادگیری در محیطی که با ما دوست است و سر سازگاری دارد، بهتر اتفاق می‌افتد.

چینی‌ها مهدکودکی ساخته‌اند که دارای فضای باز است و در آن محیط‌هایی شبیه خانه طراحی کرده‌اند. سازندگان این مهدکودک معتقدند که کودکان در سال‌های پیش‌دبستان از والدین خود تقلید می‌کنند و با قرار گرفتن در محیطی شبیه خانه خود بهتر می‌توانند تجربه کنند و بیاموزند. شکست قواعد معمول در محیط‌های آموزشی، برداشتن دیوارها و ایجاد فضاهای باز که در آن دانش‌آموزان

زنگ خبر

تحول در رنگ‌های ورزش

معاون تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش آذربایجان شرقی دست گذاشته است روی چالش سلامت در نظام آموزشی دنیا و نظام آموزشی خودمان و گفته است: باید مشکلات تربیت‌بدنی دانش‌آموزان، به‌شکل تخصصی بررسی و اصلاح شوند. این اتفاق هم قرار است براساس یک سند خیلی طولانی و بلندبالا به نام سند تحول بنیادین تربیت‌بدنی دانش‌آموزی بیفتد. خلاصه اینکه قرار است زنگ ورزش در مدرسه‌ها پدید آید. حالا ببینیم و تعریف کنیم.

معلم‌های پرورشی الگو هستند

سرپرست اداره کل آموزش و پرورش استان لرستان وقتی به دیدار معاونین پرورشی رفت، به نکته خوبی اشاره کرد و گفت: عمل و رفتار مربیان تربیتی، بیش از سخنانشان پانا به نقش آموزش و پرورش در آموزش قانون‌کبیرایت معلم‌های پرورشی با رفتارشان از صدا کتاب بیشتر می‌توانند کار انجام دهند و درواقع خودشان یک منبع آموزشی هستند.

وظیفه فرهنگی و آموزش و پرورش

رئیس هیات مدیره مجمع صنفی ناشران آثار شنیداری و موسیقی که دل پردردی از دانلودهای غیرقانونی و کمی‌های غیرمجاز دارد، در گفت‌وگو با خبرنگاری پانا به نقش آموزش و پرورش در آموزش قانون‌کبیرایت به دانش‌آموزان اشاره کرده و گفته است: رعایت حق مؤلف تقریباً در حال نابودی است و آموزش و پرورش می‌تواند با قدرتی که دارد، در این باره فرهنگ‌سازی کند.

راهکار باکلاسی در تعطیلات

وقتی مدرسه زکریای رازی تعطیل می‌شد

هورا...

وقتی زکریای رازی نوجوان بود، یک‌روز صبح متوجه شد والدینش نام او را در مقطع متوسطه اول نوشته‌اند و او مجبور است از آن به‌بعد هفت‌روز هفته را در عوض وقت‌گذاشتن روی علم کیمیا به مدرسه برود. البته با ورود او به مدرسه مشخص شد همه چیز که همین آسانی نخواهد بود.

اگر به‌دلیل شش‌روز نشستن پشت نیمکت مدرسه و درس خواندن، انرژی سرکوب‌شده زیادی داری، راه‌های مثبتی برای تخلیه آن پیدا کن؛ مثلاً به پارک یا زمین بازی برو و بدو، توپ پرت کن. صدبار شوت بزن، از میله آویزان شو، کلمه‌معلق بزن، مثل تارزان فریاد بکش، بیچرخ و تاب بخور. طناب‌بازی کن، یا مثل هر نوجوان باکلاسی و اجتماعی در یک بازی گروهی شرکت کن. مثلاً نظرت درباره بازی وسطی چیست؟ تو هم می‌توانی چند بازی گروهی به این فهرست اضافه کنی. شاید زکریا راهکار باکلاسی تو را برای تعطیلات بیپسند.



آقا! جواب از تو، سلام از غریبه‌ها
آه سپیده، گریه شام از غریبه‌ها
در حضرت غریب غریبان غریب نیست
این ازدحام‌های مدام از غریبه‌ها

تو خود غریبه‌ای و غریبی نمی‌کنند
در محضر تو هیچ کدام از غریبه‌ها
چون توده‌های ابر، پر از بارش و صفا
جاری است موج ناب کلام از غریبه‌ها

نمایش

بیست اسکی الوند یا تاریک در دره ۱۰ کیلومتری جاده گنجانامه در شهر همدان و در دامنه‌های کوه‌های الوند قرار گرفته است.



در داستان غرق شویم

دوست نوجوان من! بدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشتک به سمت شما پرواز کرده تا شما پرده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
hodhod8@kpf-khr.ir

دادگاه هشتک‌ها



بابا عین مأمورهای فضایی شده بود. همچنین خودش را پوشانده بود که فکر می‌کردی به جنگ اکوان دیو فضایی می‌رود.
گفتم: «بابا موفق باشی، من مطمئنم توی این مبارزه خونین، شما پیروز می‌شید!»
بابا گفت: «شماها برین بیرون تا شب هم نیاین. نگران من نباشید. من این جانی‌های مردم آزار رو از بین می‌برم و آرامش رو به این خونه برمی‌گردونم.»
مامان گفت: «فقط حواست رو خوب جمع کن تمام درزها و لای کابینت‌ها رو بزن. پشت تابلوها رو فراموش نکنی...»
مریم گفت: «تا زیر فرش‌ها، لای کتاب‌ها...»
من گفتم: «توی کمد لباس‌ها، پشت تلویزیون...»
آدم فضایی گفت: «تا لای پرده‌ها، زیر میزها و میز نهارخوری و گاز و پشت متهایی...»
مریم گفت: «دیدی مامان؟ همه‌مون حفظ حفظیم. من نمی‌دونم این بدبخت‌ها چه هیزم تری به تو فروختن که این جوری باهاشان تا می‌کنی.»
مامان گفت: «تو هم دختری، اما بیشتر به پسر سلخته‌ها می‌مونی. اینم از اقبال منه.»
گفتم: «تقصیر خودش نیست مامان چون! از بچه گی بهش می‌گفتی خاله‌سوسکه، حتماً باورش شده که خاله اون‌هاست.»

مریم تا اسلحه سردش را بلند کرد، جاحالی دادم. گفتم: «مواظب دفتر خاطرات باش، حیفه تجربیات ماری کوری از بین بره!»
مامان گفت: «برین بیرون و رو کرد به بابا و گفت: شب خودمون می‌آییم. شما فقط مواظب باش که جایی بدون سم نمونه. هر سوسکی بیرون اومد، با همون مگس کش بزنش.»
وقتی مامان در را بست. صدای خفه آدم فضایی را شنیدیم که «نگران من...»

وقتی برگشتیم فقط بابا بی‌حال روی میل افتاده بود و سوسکه‌ها دسته‌جمعی داشتند از هوای لذت‌بخش اتاق بهره می‌بردند. مامان به من نگاه کرد و گفت: «گفتی این آخرین ورژن سوسک کش بود که از اینترنت دانلود کردی؟!»
گفتم: «راستش روی سوسکه‌های اون‌ور آب خوب جواب داده، ولی خوب مثل اینکه ماشاءالله سوسکه‌های وطنی مقاومت بالایی دارن و به این آسونی‌ها میدون رو خالی نمی‌کنن. فکر کنم مسأله باید دوستانه حل بشه.»

حالا خانه در کمال صلح و آرامش به‌سر می‌برد. مریم شبانه‌روز خاطرات بی‌مزه و تکراری‌اش را می‌نویسد. بابا روزنامه می‌خرد و به راحتی می‌خوابد، و من هم فوتبالم را نگاه می‌کنم و مامان هم به کارش می‌رسد. روز مال ماست و شب هم مال سوسکه‌ها. به‌قول خاله‌سوسکه: آنها هم حق حیات دارند.

حق حیات

صدای جیغ مامان بلند شد. بابا فقط یک نیم‌تکانی خورد و بعد زیر روزنامه ادامه خروپفش را از سر گرفت. بابا هر روز روزنامه می‌گرفت و روی میل لم می‌داد و روزنامه را می‌گذاشت روی صورتش و می‌خوابید. نمی‌دانم برای خوابیدن چه فرق می‌کند که آدم هر روز روزنامه جدید بگیرد. با یک شماره روزنامه هم می‌توان یک‌سال تمام به راحتی روی میل لم داد و خروپف کرد. مریم هم که داشت توی دفتر خاطراتش باز خاطره‌های بی‌مزه و تکراری می‌نوشت، فقط یک کم سرش را بلند کرد و گفت: «ای بابا! مامان اون بدبخت‌ها را ول کن چون ما. اونا هم حق حیات دارند.» و البته من هم داشتیم فوتبالم را نگاه می‌کردم که مامان با مگس کش تپتی کوبید به پشتم و یک‌قد پریدم.
گفتم: «سبب زمینی! چرا از جات بلند نمی‌شی؟»
گفتم: «چرا من رو می‌زنی. زورت به چهار تا سوسک ریز نمی‌رسی، عقده‌ات را سر من خالی می‌کنی؟ خوب چه کار کنم؟ سرجمشان کن. یکجا برات می‌کشمشون. مامان مگس کش را که بلند کرد از جام بلند شدم، رفتم توی آشپزخانه.»
گفتم: «کوش؟»
مامان گفت: «یادم رفت بهش بگم یه‌جا وابسته تا تو بیای.»
گفتم: «خوب می‌گی چکار کنم؟ همین‌جا و ایسم تا سر مبارکش رو بیاره بیرون؟»
مامان گفت: «هربا! وایسا وردست من. بوی غذا به دماغشون بخوره خودشون میان بیرون.»
مامان رفت سر گاز. گفتم: «یه‌وقت اشتباهی قرمه‌سبزی رو با مگس‌کش هم نزن!»
تازه مامان متوجه دستش شد و یک ایشی گفت و سه‌دور مرتب دست‌هایش را با آب و صابون شست. غذا را هم می‌زد و غر می‌زد: «خدا مرگشون بده. این دیگه چه جونوریه. این مرد هم که عین خیالش نیست. کنیفی، تمیزی حالیش نیست.»
گفتم: «مامان من برم. الان اوجشه‌ها، همه فوتبال همین ده دقیقه آخرش مزه می‌ده.»
مامان گفت: «وقتی اخبار نتیجه مسابقه رو می‌گه، مرض داری دو ساعت چشم بدوزی به تلویزیون. خوب برو یه کار مفیدتر بکن.»
گفتم: «ها راست می‌گی، تا حالا به عقل خودم قد نداده بود!»
مامان یک چشم‌غره‌ای رفت. یواش رفتم به گوشه و تا از دیدرسش دور شدم رفتم نشستم ادامه فوتبال را ببینم.



عزت صدیقی لویه - کارشناس ادبی کانون پرورش فکری خراسان رضوی



74009likes
View all 16400comments

با یک تیر دونشان

هر کدام از ما از فصل خرید عید خاطراتی داریم. خاطره گشتن توی بازارهایی که هر چه به عید نزدیک‌تر می‌شد، شلوغ‌تر می‌شد و ما هم توی آن شلوغی جمعیت دنبال لباس، کیف و کفش مورد علاقه‌مان می‌گشتیم تا برای عید حسابی نونوار شویم. اصلاً عید است و همین نونواری‌اش، انگار که آمدن سال نو بهانه‌ای باشد تا کارهای عقب‌افتاده را انجام بدهیم و با ظاهر و باطنی نو و تازه، متفاوت از قبل به سال جدید برویم.
اما در کنار ما خیلی‌ها هستند که دستشان به این نونواری نمی‌رسد، به این گشتن توی بازارهای شلوغ و انتخاب مورد علاقه‌ها. غم‌انگیز است و ولی برای خیلی‌ها عید بوی شادی و تازگی ندارد. بوی حسرت دارد و آرزو و ای‌کاش.
داشتیم فکر می‌کردم در کنار همه این کمپین‌های اینترنتی ریز و درشت برای کمک به نیازمندان در ایام تعطیل و یا انجمن‌های خیریه‌ای که این‌روزها خیلی می‌بینیم، ما هشتک‌ها چه کاری می‌توانیم برای هم‌سن‌وسال‌های خودمان انجام بدهیم؟ بعد فکر کردم همه ما متماً موقع خرید عید می‌توانیم از یکی دو قلم از خریدهایمان صرف‌نظر کنیم. آخر خودمان هم می‌دانیم که گاهی فقط دنبال خرید کردن وسیله نو هستیم، والا آن کیف و کفشی که تابستان امسال هم خریدیم، با یک رسیدگی ساده با کیف و کفش نو هیچ فرقی نخواهد داشت. حالا اگر برفرض این هم نشد، نظرتان راجع به عیدی‌ها و پول توجیبی‌ها چیست؟ اینکه بخشی از آن‌ها را به نیازمندی بدهید تا مثل شما عید را با تازگی شروع کند؟ می‌دانید که از قدیم می‌گویند از همان دست که ببخشی، از همان دست نتیجه بخشش‌ات را پس می‌گیری؟

عید
تازگی
خرید
بخشش
Sahar_A
تازه خدا هم این کار را خیلی دوست دارد، انگار که با یک تیر، دونشان زده باشی.

هشتکو

جایی برای خریدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

په‌روز به‌جای سوختگی کوچک روی زانوم دیدم به مامانم گفتم، این جای چیه؟
گفت: حدوداً ۵، ۶ سانت بود، چهارشنبه‌سوری هم بود، با پسرعموها رفتی از روی آتش پریدی!
گفتم: آهان... پس اونجا سوختم!
گفت: نه اونجا سوختی، اومدی خونه خودم سوزوندمت که دیگه بی‌اجازه آتش‌بازی نکنی.

پسر آقای همساده

اگر تونستی مردی را در پنج دقیقه نسبت به موضوعی متقاعد کنی، اون مرد پدرته
اگه ده دقیقه طول کشید، اون مرد برادرت
اگه بیست دقیقه طول کشید، اون پسرته
اگه به‌عمر توضیح دادی و قانع نشد، اون مرد شوهرته!

عیال خوشمزه‌خان

روزی حکیمی به فرزندش گفت، فرزندم! من هفت‌هزار کلمه حکمت آمیز آموختم، اما تو چهار کلمه بیاموز و حفظ کن که اگر به آن‌ها عمل کنی، برای سعادت تو کافی است،
کشتی خود را محکم بساز که دریا بسیار عمیق است. بار خود را سبک کن که گردنه و گذرگاهی در پیش داری که گذشتن از آن بسیار دشوار است. زاد و توشه بسیار بردار که سرفت بسیار دور و دراز است. عملت را خالص گردان و کار را فقط برای رضای خدا انجام بده که قبول کننده عمل، بسیار بینا و داناست...

استاد بزرگ

از پسرک فال‌فروشی پرسیدند، چه می‌کنی؟
گفت: از کم‌فکری مردم لقمه‌نانی درمی‌آورم.
پرسیدند: چگونه؟
گفت: من در امروز خود مانده‌ام!
و مردم فردایشان را از من سراغ می‌گیرند!

استاد بزرگ

